

معصومه مهرنامی

وکیل پایه یک دادگستری

## بحثی پیرامون نفقه در ماده ۱۰۸۵ ق.م

یکی از تضمینهای قانونی حقوق مالی زن ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود». موقعیت مهر که جنبه فرعی را در نکاح داراست از نظر حقوقی مانند موقعیت عوض در عقد معوض است و به اعتبار رابطه وابستگی که بین مهر و بضع موجود است قاعده حبس که از خصایص عقود معوض است نسبت به آن دو جاری می‌شود، حتی اگر شوهر معسر باشد. زیرا اعسار شوهر اگرچه حق مطالبه را ساقط می‌کند و زن نمی‌تواند مادام که شوهر معسر است مهر خود را مطالبه نماید ولی این امر موجب سقوط حق امتناع او که مبنی بر قاعده معاوضه است نمی‌گردد.

حق حبس در ماده ۱۰۸۵ با چند مشخصه بیان شده است: وظایف زن در برابر شوهر، حال بودن مهر، استحقاق نفقه که اختصاراً به شرح هر یک از آنها می‌پردازیم: به تعبیر قانون مدنی زوجه می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در قبال شوهر دارد امتناع کند. قانون مدنی تکلیف زوجین را در ماده ۱۱۰۳ به حسن معاشرت با یکدیگر تعبیر نموده است، که همان وظایف مشترک زوجین می‌باشد. تکالیف مختص زن در قانون مدنی احصاء نگردیده بلکه در بطن مواد دیگر به آنها اشاره رفته است. بنابه تعریف در فقه امامیه تکالیف زن شامل تمکین خاص و عام است. تمکین عام عبارت از اطاعت زن از شوهر و خوشرفتاری و خوشرویی نسبت به او و رعایت نظافت و آرایش و خارج نشدن از منزلی که شوهر معین کرده که قانون مدنی در

مواد ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵ و ۱۱۱۴ به آنها اشاره کرده است.

تمکین خاص عبارت از نزدیکی جنسی با شوهر است که قانون مدنی تمکین خاص را در ماده ۱۰۸۵ به عبارت وظایف زن در برابر شوهر تعبیر نموده است. زیرا بنا بر استنباط هر چند وظایف زوجیت در قانون مدنی ذکر نگردیده و به کلمه حسن معاشرت که مجمل و مبهم می باشد اکتفا نموده است لکن به دستور ماده ۳ ق.آ.د.م در صورت کامل یا صریح نبودن قوانین موضوعه با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه صادر خواهد شد.

در فقه مفاد حق حبس عبارت از خودداری از هم خوابگی با شوهر است و شامل سایر وظایف زن در برابر او نمی شود. که حضرت امام ره در مسأله ۲۴۲۰ توضیح المسائل به ذکر آن پرداخته اند و نظر سایر مراجع تقلید نیز اجماعاً همان است که ذکر شد.

بنابراین حق حبس تنها ناظر به تمکین به معنی خاص است. پاره ای از اساتید محترم حقوق از جمله مرحوم دکتر امامی و آقای دکتر کاتوزیان از همین نظر پیروی کرده اند. بعضی از آنها مانند مرحوم دکتر شایگان و نیز آقای مجید خداوردی نظر مخالف داده و حکم کرده اند که زن می تواند به اقامتگاه شوهر نرود.

به تعبیر دکتر کاتوزیان با این که ظاهر ماده ۱۰۸۵ به نظر اخیر سازگارتر است و متن عبارت قانون همه وظایفی که زن در برابر شوهر دارد را مضمول حکم قرار داده است، لکن از سابقه تاریخی ماده ۱۰۸۵ و بویژه قرینه موجود در ماده ۱۰۸۶ چنین برمی آید که قانونگذار به تمکین خاص نظر داشته و سایر وظایف زن در برابر شوهر با الزام دادن مهر ارتباط حقوقی ندارد.

با توجه به مطالب عنوان شده و نظر اساتید محترم آقایان امامی و کاتوزیان و نیز مراجع عظام تقلید مجوز ماده ۱۰۸۵ تنها برای تمکین خاص است و شامل عدم تمکین عام نمی شود و زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکونت گزیند و با او خوشرویی کند و در عین حال برای وصول مهریه تمکین خاص ننماید. علی القاعده نیز حق حبس در ادامه زندگی زناشویی است در صورتی که در حال حاضر به صورت ابزار طلاق درآمده و با شروع اختلاف بین زوجین زن برای تحت فشار قرار دادن شوهر برای

طلاق و نه وصول مهریه از این ماده استفاده می‌کند و حاضر به شروع زندگی مشترک نیست.

مطلب دیگر استحقاق نفقه در صورت عدم تمکین عام می‌باشد و پرسشی که مطرح است اینکه در صورت عدم تمکین عام زوجه مستحق نفقه می‌باشد یا خیر؟ هر چند آقایان دکتر امامی و کاتوزیان به طور مستقل در خصوص نفقه در ماده ۱۰۸۵ وارد بحث نشده‌اند اما از مفهوم نظریات ایشان چنین برمی‌آید که ماده ۱۰۸۵ تنها مجوز عدم تمکین خاص است و با عدم تمکین عام نشوز زن ثابت و نفقه ساقط می‌شود. حال آنکه طبق نظر آقای دکتر شایگان حق حبس شامل تمکین عام و خاص هر دو بوده بنابراین در هر صورت نفقه به زن تعلق می‌گیرد که رویه فعلی دادگاهها نیز از این نظر پیروی می‌کند.

نظر سومی نیز مطرح است که استاد محقق داماد این نظریه را چنین بیان داشته است، زوجه می‌تواند مادام که مهر به او تسلیم نشده است از سکونت در مسکنی که شوهر تهیه نموده خودداری کند و هر چند این امر موجب نشوز زوجه نیست ولی نمی‌تواند حق مسکنی خویش را مطالبه کند زیرا زوج مسکن در اختیار او قرار داده و زوجه خود استفاده نکرده است و دیگر نمی‌تواند مطالبه خسارت نماید.

از طرفی ماهیت حقوقی نفقه در مورد اموال ضایع شدنی مانند غذا و البسه مالکیت زوجه است که می‌تواند به هر نحو از آن استفاده نماید اما مسکن به ملکیت زوجه در نمی‌آید و زن مأذون در انتفاع است و چنانچه مرد مسکن در اختیار او قرار دهد و زن به اختیار مسکن دیگری را برگزیند از حق انتفاع خویش صرف نظر نموده و دیگر نمی‌تواند آن را مطالبه کند. بنابراین نظر سوم به جواب نزدیکتر است.

مطلب سوم در ماده ۱۰۸۵ حال بودن مهریه است و زن در صورتی می‌تواند از حق حبس استفاده کند که مهریه او حال باشد پس در مهریه مؤجل امکان استفاده از ماده فوق برای وصول مهریه ممکن نمی‌باشد.

سؤالی که مطرح می‌شود این که آیا زوجه می‌تواند در صورتی که مهریه حال بوده و دادگاه آن را تقسیط نموده باشد تا پایان اقساط از حق حبس استفاده نماید؟ به سؤال و جوابی که از کمیسیون حقوقی شورای عالی قضایی انجام شده است توجه

فرماید:

- در صورتی که مهریه زوجه حال باشد با عدم قدرت زوج از پرداخت مهریه به صورت نقد و کسر نمودن از حقوق به طور اقساط آیا زوجه تا وصول کلیه مهریه حق امتناع از تمکین دارد و در صورت امتناع حق نفقه دارد یا خیر؟  
- تا وصول مهریه حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه را با توجه به ماده ۱۰۸۵ ق.م دارد.

هر چند طبق نظریه فوق تا پایان اقساط زوجه می تواند تمکین ننماید لکن به نظر می رسد چنانچه تقسیط توسط دادگاه صورت گیرد به حکم قانون مهریه حال به مؤجل تغییر یافته و الزام شوهر به پرداخت مهریه در اقساط حق حبس را ساقط نماید. این امر با توجه به میزان مهریه های فعلی که بعضاً بسیار سنگین می باشد منطقی تر می نماید. و زن می تواند در صورت تأخیر در پرداخت اقساط به لحاظ داشتن ضمانت اجرایی احکام دادگاهها از سایر مقررات قانونی نظیر قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی استفاده بنماید.

منابع مورد استفاده:

- ۱- حقوق مدنی جلد چهارم آقای دکتر امامی
- ۲- حقوق خانواده آقای دکتر کاتوزیان
- ۳- حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن آقای سید مصطفی محقق داماد
- ۴- حقوق در اسلام آقای مجید خداوردی
- ۵- حقوق خانواده آقای جعفری لنگرودی
- ۶- رساله دکتری آقای دکتر علی آراد